

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۳ اپریل ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۷۱

مُلحدنامه

-۳۷-

به پاسخ چنین گفت؛ ملحدانشان که امشب شما را، منم مهمان
نه کون من از فرج زن کمتر است اگر کس زُخام است، کون مرمر است
بگفتند: ما را ز جان خوشتری به گادن ز سیمینیران بهتری
ولی کون چو یک باشد و کیر بیست بر احوال آن کون، باید گریست
خصوص اینچنین کیرهای دُرُشت که ما را دودستی ننگد به مُشت
مبادا، که در وقت آورد و بُرد شود تازه آن زخم سهراب کُرد
بگفتا: گشائید بند ازار شما را بدین مهربانی، چه کار
اگر بیست باشد ذکر، ار دویست ز بسیاری این، مرا باک نیست
همان گه بیرون کرد، شلوار خویش بیچید بر سر، چو دستار خویش
به زیر زرخدان ستون کرد دست یکی گنبد از نقره خام، بست

^۱ - "آورد و بُرد"؛ یعنی "گیر و دار" یا "کش و گیر"

برفتند پیش وی آن بیست مرد
چو نوبت برآمد دگر باره باز
بدین گونه تا نوبت آمد به هشت
ز جا جست و بوسیدشان دست و روی
ز انبوه آن کیرهای دُرشت
ز بس درد کون و ز بس رنج خواب
گهی سوی چپ گه سوی راست رفت
بیامد، بیفتاد، بر بستری
یکایک براندند، اسپ نبرد
به نوبت نهادند در کُنده،^۲ گاز
خور از طرف مشرق پدیدار گشت
شکم گشته ز آب منی، چارسوی
عصبها شده سُست و خم گشته پُشت
نه در تن توان و نه در مغز، آب
ز سُستی نه زان سان که می خواست رفت
خری گشت غلطان^۳ به خاکستری

* * *

^۲ - "گاز" مراد از "فانه" است
^۳ - غلطان